

بسم الله الرحمن الرحيم

اردوغان چگونه در خدمت امریکا قرار می‌گیرد؟



(ترجمه)

امریکا حرکت‌های اسلامی و کسانی که از نفوذش در سرزمین‌های اسلامی راضی نبوده و تأثیرگذار اند، شناخت کلی دارد. امریکا در تلاش است که این گروه‌ها به قدرت نرسند، چون این حرکات می‌خواهند که نفوذ امریکا را از سرزمین‌های اسلامی دور سازند، نه به معنی محدودش، بلکه به معنی این که پای امریکا را از تمام سرزمین‌های اسلامی دور سازند. هم‌چنان امریکا می‌داند حرکت‌هایی وجود دارد که امکان تعامل امریکا با آن‌ها بوده و می‌خواهد که این حرکات‌ها به قدرت رسیده و در بازی دموکراسی سهیم باشند. امریکا به خاطر منافع خودش به پیروز ساختن احزاب و سیاسیونی که خود را به دین نسبت می‌دهند، تلاش می‌کند، البته دینی که بر دموکراسی انطباق داشته و ضد افراط‌گرایی (اسلام واقعی) است.

امریکا می‌خواهد نفوذ خود را از طریق حرکت‌های اسلامی، که با سیاسیون امریکائی روابط دارند، گسترش دهد؛ حرکت‌های اسلامی‌ای که نتایج خطرناک مسیر این دیدارهای مشبوه را نمی‌دانند، زیرا امریکا با چالاکي و سیاست خبیث‌اش این حرکت‌ها و اردوغان را به خدمت خود قرار داده تا از طریق این گروه‌ها به اهداف خود برسند؛ اردوغانی که راه‌حل و راه صلح را تنها گفتگو می‌داند. به همین دلیل اردوغان در دیدارهای مکرر و طولی با سیاسیون امریکا نقش اساسی داشته، چیزی که در حقیقت نفوذ امریکا را در ترکیه استحکام بخشید. قبل از این که هیلری کلینتون وزیر خارجهٔ امریکا شود، زمانی که اردوغان شهردار استانبول بود، در دههٔ نهم اردوغان را چنین توصیف نمود: «به نظرم اردوغان یک شخصیت سیاسی پرتلاش، قوی و انسان صادق و توانا است.»

دیدارهای مکرر اردوغان با امریکا باعث شد تا امریکا در انتخابات پارلمانی سال 2002م از اردوغان حمایت کند. هیلری کلینتون ساعت‌ها به صورت انفرادی به حضور داشت داود اوغلو استاد پوهنتون- که ترجمان‌شان بود- با اردوغان دیدار و گفتگو نمود که بعداً در زمان حاکمیت اردوغان، داود اوغلو به عنوان وزیر خارجهٔ ترکیه تعیین گردید. این دیدارها منجر به گرایش‌های مثبت امریکا و ترکیه گردیده و روابط دوستانهٔ این دو کشور را بیشتر ساخت. زمانی که هیلری کلنتون وزیر خارجهٔ امریکا شد، اروپا، اردوغان، عبدالله گل و بزرگ‌های ترکیه را ملاقات نمود و توانست که در برنامهٔ تلویزیونی مشهور و پر بینندهٔ یکی از رسانه‌های ترکی تحت نام "بیا و با ما بپیوند" به هدف تأثیرگذاری بالای مردم ظاهر گردد، چیزی که برای حکومت‌ها پوشش سیاسی بزرگی می‌دهد.

امریکائی‌ها برنامهٔ منسجمی برای پیروزی اردوغان در انتخابات کشور ترکیه آماده کرد و اقتصاد را یکی از راه‌های سقوط حکومت قبلی قرار داد و یک سلسله کارهایی را برای نفوذ سلطهٔ امریکا در ترکیه انجام داد؛ از جمله، دور ساختن نظامی‌ها و توصیف نمودن مبارزات انتخاباتی حزب اردوغان. استیفن کتنزر اردوغان را تعریف نموده گفت: «او نبوغ خود را در تنظیم و پیکارهای سیاسی در سطح کشور ظاهر ساخت؛ چیزی که هیچ حزب سیکولری تا اکنون در ترکیه انجام نداده است.» به همین ترتیب حزب عدالت و توسعه از ابتدای مبارزات انتخاباتی تا پیروزی‌اش در انتخاباتی پارلمانی نقش اساسی برای زنان داد. استیفن کتنزر اردوغان و همکارانش را اسلام‌گرای میانه‌رو خواند.

اردوغان پس از پیروزی‌اش، شورای امنیت ملی ترکیه را متشکل از جنرال‌های بود که بالای رؤسای حکومت مسلط بودند، به شورایی تبدیل نمود که شهروندان آن را اداره می‌کند. هم‌چنان اردوغان دست به دیگر اقداماتی زد که نیت دور کردن انگلیس را از ترکیه واضح می‌سازد؛ مانند لغو جزای اعدام و تعدیل قوانینی که در خصوص حقوق بشر و دور ساختن قوانین سخت‌گیرانه بوده است؛ اما حقیقت اینست: اقداماتی که اردوغان روی دست گرفت و جنرال‌ها را از قدرت برکنار نمود، حکومت‌اش بعد از انقلاب دروغین دست به اقدامات سخت‌گیرانه زد و نسبت به حکومت‌های قبلی قدرت را به دست گرفت. انقلاب اخیر در سال 2016م فرصتی برای اردوغان بود تا نظام را از اجیران انگلیس پاک نموده و به جای آن مهره‌های امریکا را جابجا سازد که این تصفیه‌سازی تاکنون جریان دارد.

ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای ظهور کرده و در نتیجه لازم بود تا نقش خودش را که از سوی امریکا به آن سپرده شده بود، انجام دهد. بناءً اردوغان بسیاری از سیاست‌های خارجی امریکا را به پیروزی رساند و این نقشی بود که امریکا از ترکیه تقاضا نموده و ترکیه به انجام آن امریکا را راضی ساخت.

زمانی که امریکا عراق را در سال 2003م اشغال کرد و اذهان مردم را به طرف دموکراسی جلب نمود، مردم غرب زدهٔ عراق از دموکراسی استقبال کرد، کسانی که در اشغال عراق با امریکا خوش‌خدمتی کرده و همکار بودند؛ اما برای این که بازی دموکراسی در عراق تکمیل گردد، امریکا نیاز داشت تا همهٔ اطراف درگیر سهمیم گردند که امریکا نتوانست برای پذیرفتن دموکراسی تمام مردم عراق را قانع سازد و زمانی که اهل سنت عراق تصمیم بر مقاطعهٔ انتخابات ملی عراق زدند، ترکیه توانست با تغییر نظرشان آن‌ها را در مشارکت این نظام قانع سازد و دقیقاً این چیزی بود که امریکا با وصف این که خواستار آن بود، از انجام آن عاجز مانده بود.

قابل تصور نیست که شمعون پریز در سال 2007م در پیش‌روی پارلمان ترکیه استناد شده و به زبان عبرانی گفت: «ترکیه مورد اعتماد است. من آمدم که از ترکیه ابراز قدر دانی کنم.» در اوج گفتگوها که آمریکا از کمپ دیوید در سال 1978م بین مصر و رژیم یهود و از مادرید در سال 1991م بین رژیم غاصب یهود و فلسطین و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و توافق وادی عربیه در سال 1994م بین دولت یهود و اردن اتفاق افتاد، سوریه این مذاکرات را نپذیرفت؛ هرچند که این مذاکرات از طرف آمریکا راه‌اندازی شده بود. زمانی که دولت یهود گفتگوهای مخفی را با سوریه آغاز کرد، از ترکیه ترتیب آن را تقاضا نمود و این نقشی بود که تاهنوز آمریکا از اردوغان این بازی را در مذاکرات بین دولت یهود و حماس می‌طلبید.

زمانی که آمریکا جنگ علیه اسلام را تحت نام "تروریسم" آغاز کرد و تعدادی از کشورهای غربی نیز با آن همکار بود تا مسلمانان را از دین‌شان دور ساخته و غیر ما انزل الله را حاکم سازد، نیاز پیدا کرد تا حکام سرزمین‌های اسلامی نیز با آن بیبوندند که اردوغان این نقش را بازی کرد و ترکیه در طول چهار سال ثابت ساخت که همکار وفاداری برای آمریکا است. هیلری کلینتون با اطمینان کامل گفت: «ما و ترکیه در افغانستان، سوریه و غیره سرزمین‌ها به خوبی علیه تروریسم مبارزه نمودیم.»

کثیف‌ترین نقشی که اردوغان به نفع آمریکا بازی نمود، نگهداری و حفاظت از بشار اسد مزدور آمریکا از سال 2011م تا کنون و متفرق کردن نیروهایش تحت نام اردوی آزاد برای راه‌اندازی عملیات سپر فرات بود که بشار اسد را فرصت داد تا بر حلب مسلط گردد و عملیات شاخه زیتون بود که بشار اسد را فرصت داد تا در غوطه شرقی داخل شود. ای کاش! مزدوری و خوش‌خدمتی اردوغان به آمریکا در همین حد باقی می‌ماند؛ اما بدبختانه عملیات نظامی اردوغان و خیانت‌های آن به نفع بادارش آمریکا فراتر از این است. اردوغان به تمام قوت و صراحت مسلمانان را به طرف سیکولریزم فرامی‌خواند و این نقشی است که از طرف آمریکا به آن سپرده شده و آمریکا می‌خواهد که اردوغان و ترکیه الگویی در جهان اسلام باشد.

داود اوغلو از نگاه حق‌بینانه از منظر اسلام به سوی قضایای امت مسلمه؛ مانند: اشغال فلسطین توسط دولت یهود، اشغال چیچین توسط روسیه و اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا و چگونگی راه‌حل این مشکلات از منظر اسلام عاجز ماند. بناءً از دیدگاه قانون بین‌الملل به این مسایل نگاه کرده که این نگاهش مشکلات و ناامیدی زیادی ایجاد کرد، در حالی که داود اوغلو می‌داند که مسلمانان امید خود را نسبت به دولت‌های مزدور سرزمین‌های اسلامی از دست دادند، از مردم خواست تا راه‌حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را پیدا کنند. هم‌چنان اوغلو از کشورهای اسلامی می‌خواهد که به سوی ترکیه به حیث معجزه راه‌حل مشکلات نگاه کرده و این کشور را از منظر خلافت اسلامی ببینند؛ در حالی که متأسفانه این واقعیت در مورد کشور ترکیه قطعاً وجود ندارد.

یقیناً که مسلمانان صاحب عقل و بصیرت می‌دانند که خلافت عثمانی وجود ندارد. چیزی که ترکیه ادعاء می‌کند، اصلاً ارتباطی به خلافت عثمانی ندارد؛ بلکه ترکیه خادم آمریکا بوده به سیاست‌های آمریکا تسلیم است؛ سیاست‌هایی که مردم مسلمان از آن‌ها متنفر اند. آمریکا در هرجائی که از پیاده نمودن سیاست و نظام حکومت‌داری خودش عاجز ماند، مسئولین ترک را در آن سرزمین فرستاد و دروازه گفتگوها توسط ترک‌ها به رویش باز شد؛ مثل لبنان، پاکستان و افغانستان.

ترکیه نقش امریکا را طوری بازی نموده که گویا این کشور در سیاست‌هایش مستقل است و هیچ دستی در سیاست‌های این کشور دخیل نمی‌باشد؛ در حالی که حقیقت چیز دیگری است. ترکیه به خاطر پراخت منافع کردها در زمان اوزال اعلان کرد که نصف آن کرد باشد؛ پس از آن منافع همسایه‌هایش در زمان اردوغان چیزی که تصور می‌شود- که به وجود آورنده صلح است چیزی که احمد داود اوغلو آن را "عمق استراتژیژیک" نامیده است. ترکیه برنامه اول خود را در بین همسایه‌گانش، کسانی که با ترکیه اختلاف داشتند، تطبیق نموده که در این برنامه تا حد زیادی موفق شد؛ نه تنها ترکیه صدای حل مشکلات را با همسایه‌گانش بلند نمود؛ بلکه در صدد این شد که مشکلات داخل کشورهای همسایه نیز باید حل گردد و استدلالش این بود که اختلاف در کنار ترکیه صلح را تهدید می‌کند، زمینه‌های رشد منطقی را می‌گیرد و در آینده همه این‌ها مایه نگرانی ترکیه می‌شود.

اردوغان ترکیه را از لجن‌زار انگلیس بیرون نموده؛ اما در لجن‌زار امریکا غرق نمود. پس فایده چیست؟ از سال 1924م تا اکنون 78 سال از عمر ترکیه به هدر رفته است. از زمانی که مصطفی کمال خلافت را لغو و جمهوریت را اعلام نمود و حالا 16 سال است که امریکائی‌ها هویت ترکیه را ربوده است. امریکائی‌ها به خاطر پیروزی اردوغان اقتصاد ترکیه را رشد داد. به همین دلیل اقتصاد ترکیه شگوفا شده و در جهان نمونه گردیده است؛ اما واقعیتی که روشن است، اینست که ترک‌ها علیه اقدامات اقتصادی بد اردوغان که بعد از پیروزی او و حزبش از یک و نیم سال به این طرف روی دست گرفته مقابله نموده و قروض ترکیه نشان دهنده شکست اقتصادی ترکیه است.

بدون شک مسلمانان در ترکیه می‌دانند که هیچ پیروزی جز عملی شدن خواست امریکا و مزدورانش چیزی دیگری تحقق پیدا نکرده است؛ اما صبح خلافت راشده برمنهج نبوت نزدیک به درخشیدن است.

منابع:

1. کلینتون، هیلری. خبارات صعبة. چاپ کاغذی.

2. کنزر، استیفن. العودة الى الصفر. چاپ الکترونیکی.

برگرفته از جریده الرايه

نویسنده: شفیق خمیس

8 اگست 2018م

25 ذوالقعدة 1439هـ.ق